

حمایت از خشونت‌دیده تا کجا؟

Photo: Photographee.eu/shutterstock.com

باران خسروی

وقتی زن خشونت‌دیده‌ای که برای گرفتن کمک به شما مراجعه کرده، هنوز تلاش می‌کند یا اصرار دارد که رابطه با آزارگر را حفظ کند، شما چه می‌کنید؟ آیا به حمایت خود ادامه می‌دهید یا با ناامیدی دست از کمک می‌کشید؟ ما چه مددکار اجتماعی باشیم یا مدافع حقوق زنان یا حتی فردی معمولی که تلاش می‌کند به عنوان حمایت‌گر (Advocate)، دوست یا اعضای خانواده یا همسایه را از چرخه خشونت نجات دهد، باید بدانیم خشونت خانگی به دلیل روابط پرفراز و نشیب عاطفی بین آزارگر و آزاردیده، یا تاریخ و تجربه مشترک تلخ و شیرین و گاه دراز مدت میان آن‌ها، وجود فرزندان و یا حتی نوع و میزان خشونت اعمال شده که گاه با مهربانی و دلجویی بعدی فرد آزارگر همراه است، ابعاد پیچیده‌ای دارد که بر نوع و کیفیت فعالیت‌های مرتبط با حمایت از خشونت‌دیدگان نیز تاثیر می‌گذارد.

درسی که از درک این پیچیدگی‌ها باید گرفت این است که فراموش نکنیم خشونت خانگی زخمی عمیق بر جسم، احساس و خاطرات خشونت‌دیده به جا می‌گذارد که مرهم گذاشتن بر آن نیاز به مراقبت صبورانه و بلندمدت دارد. مهم یادگیری این نکته است که در درمان این زخم باید صبور باشیم، به سخن و نظر خشونت‌دیده گوش دهیم و از قضاوت عجولانه یا قطع حمایت بپرهیزیم، حتی اگر او هنوز می‌خواهد در رابطه خشونت‌آمیز باقی بماند.

بیشتر زنان خشونت‌دیده در رابطه خود با شریک آزارگر فعلی یا سابق‌شان می‌مانند و ادامه این ارتباط گاه بنا به تصمیم خودشان است و گاه به دلیل ضرورت‌هایی که مستلزم ادامه ارتباط با فرد آزارگر است. فرزندان این زنان هم حتی اگر رابطه‌شان تمام شده باشد، هنوز احتمال زیادی وجود دارد که پدرشان را ببینند. در این شرایط باید بدانیم که همه خشونت‌دیدگان - و نه فقط آن‌هایی که رابطه را تمام کرده‌اند - مستحق دسترسی به منابع و حمایت در برنامه‌های مداخله و حمایت‌گری هستند.

بسیاری از شما که به عنوان حمایت‌گر با خشونت‌دیده‌ها کار می‌کنید، مواردی را سراغ دارید که آن‌ها هنوز با فرد آزارگر در ارتباطند. ممکن است با خشونت‌دیده از طریق خطوط تلفنی ضروری 24 ساعته (Hotline) صحبت کرده باشید یا این که برای او امکان رفتن به خانه امن را فراهم ساخته یا به او اطلاعاتی در زمینه منابع محلی و مقررات قانونی مربوط به تامین امنیت داده باشید. حتی ممکن است که به سخنان او و مشکلاتش در گروه‌های حمایتی گوش داده باشید. در این شرایط لازم است بدانید که فرزندان این زنان باید در قانون توجه فعالیت حمایت‌گری شما قرار بگیرند و همه خشونت‌دیده‌ها، بزرگسال یا کودکانی که هنوز با فرد آزارگر در ارتباطند، باید از برنامه‌های حمایت‌گری شما مانند اطلاعات و منابع حفاظتی بهره‌مند شوند.

لازم است بدانید که حمایت‌گران ماهر و تاثیرگذار، به خشونت‌دیده‌ها کمک می‌کنند تا ارتباطشان را با فرد آزارگر محدود کرده و زمینه را برای ترک رابطه فراهم سازند. این مساله اولین استراتژی حمایتی و یکی از موضوعاتی است که همه ما باید بدانیم. با این وجود وقتی توجه خشونت‌دیده و هدف او هنوز به ماندن در ارتباط با فرد آزارگر یا ماندن در این رابطه یا بهبود رابطه فرزندان با پدرشان است، ما ممکن است به عنوان مدافع این زنان از کوره در برویم. ممکن است برای در نظر گرفتن استراتژی مناسب مشکل داشته باشیم و گاه ممکن است حتی ندانیم چه بگوییم یا چه کنیم.

حال اگر با روش‌های سنتی حمایت‌گری وارد چرخه حمایت از خشونت دیده شوید، ممکن است خشونت دیده با این دیدگاه که شما نمی‌توانید شرایط او را درک کنید، ناامید شده و از دریافت کمک سر باز زند. اما شما باید بدانید که تعهدتان به حمایت از حق خشونت‌دیده برای تصمیم‌گیری در مورد رابطه است. تصمیمی که ممکن است بر اساس ملاحظات فردی و فرهنگی گرفته شود، یا طبق ارزیابی او به نفع فرزندش باشد. منظور این نیست که خشونت‌دیده باید در رابطه بماند یا این که حتما رابطه را ترک کند و یا این که حفظ رابطه فرزندان با پدر آزارگرشان لزوما مفید و یا امن است. به عنوان حمایت‌گر باید از تاثیرات فیزیکی و روانی ویرانگر خشونت آگاه باشیم اما با این حال می‌گوییم به حمایت‌گری ادامه داده و آن را تقویت کنید تا به بهترین نحو به آن‌ها کمک شود. اما گاهی ممکن است در این که چطور کار کنیم، از چه زبانی برای کمک استفاده کنیم و چطور همکاری خشونت‌دیده را جلب کنیم، ارزیابی‌های متفاوتی داشته باشیم.

به طور کلی خشونت‌دیده‌ها رابطه خود را زمانی حفظ می‌کنند که ترک رابطه، شرایط زندگی آن‌ها و فرزندانشان را وخیم می‌سازد. آن‌ها معمولاً گزینه‌ای برای خروج ندارند، یا منابعی در اختیارشان نیست که به راحتی رابطه نامناسب را ترک کنند. گاهی اوقات نقاط مثبتی هم در رابطه‌شان هست که آن‌ها را متقاعد می‌کند حفظ رابطه تا حدودی ارزش تحمل کنترل و خشونت را دارد. گاهی هم این فرزندان هستند که خواهان حفظ رابطه‌اند.

ترک یک رابطه در این شرایط، همیشه ریسک بالایی برای خشونت‌دیده دارد. گاهی ترک یک رابطه موجب افزایش خشونت همسر یا شریک زندگی، از دست دادن فرزندان، از دست دادن محل زندگی، درآمد، شغل، بیمه بهداشتی، در خطر قرار گرفتن شرایط مهاجرت، قطع ارتباط با گروه‌های اعتقادی و حتی حمایت خانواده و دوستان می‌شود. به طور کلی ترک یک رابطه به معنای از دست رفتن ثبات مالی و حتی تامین غذای فرزندان و بی‌خانمانی است. به علاوه ترک رابطه چه تاثیری بر فرزندان خواهد گذاشت؟ در این شرایط بسیار دشوار یا غیر ممکن خواهد بود که فرزندان در شرایط فیزیکی یا احساسی امنی باشند.

اما چرا خشونت‌دیده بعد از ترک رابطه هنوز با آزارگر خود در تماس و رابطه باقی می‌ماند؟

برای بسیاری از بازماندگان خشونت اصلا واقع‌گرایانه یا حتی مفید نیست که همه راه‌های ارتباطی قطع شود. اگر خشونت‌دیده صاحب فرزند باشد، به هر حال مسائل مربوط به سرپرستی از فرزندان یا مسائل مالی آن‌ها دخیل در حفظ این ارتباط است. گاهی اوقات فرد آزارگر می‌تواند تنها منبع حمایتی یا مالی باشد که در روزهای سخت از او کمک گرفت. به هر حال همیشه دلیلی متقاعد کننده برای فرد خشونت‌دیده وجود دارد که رابطه‌اش را با شریک

آزارگر فعلی یا سابق حفظ کند.

چه باید کرد؟

آنچه در آغاز برای یک حمایت‌گر مهم است، به کار گرفتن یک دیدگاه مبتنی بر نظر و خواست خشونت‌دیده است، و اوست که تصمیم به ترک ارتباط می‌گیرد یا ارتباطش را حفظ می‌کند و یا بین ترک و یا حفظ ارتباط قرار دارد. این دیدگاه در واقع مبتنی بر فهم نیازها، منابع، دیدگاه و حتی مولفه‌های فرهنگی تاثیرگذار بر تصمیم خشونت‌دیده است. به کارگیری دیدگاه فوق باعث می‌شود که یک نگاه همه‌جانبه به مسائل خشونت‌دیده در هنگام تعیین استراتژی‌های حمایتی برای او داشت. البته به خاطر داشته باشید که کار شما صرفاً گوش دادن به آن‌ها و انجام آن چیزی که او می‌خواهد نیست، بلکه شما نیاز به یک مشارکت فعال، پویا و حساس به فرهنگ در فرآیند ارائه اطلاعات و در اختیار قرار دادن منابع دارید تا این که بتوانید به طور مناسبی به خشونت‌دیده برای تصمیم‌گیری بهتر کمک کنید.

هدف از دیدگاه حمایت‌گری بر مبنای تعریف خشونت‌دیده، در واقع افزایش سلامت او و فرزند اوست. برای این که خشونت‌دیده در سلامت باشد، البته که باید از چرخه خشونت و کنترل شریکش آزاد شود، اما باید قادر به تامین نیازهای اساسی زندگی‌اش هم باشد. درست است که کاستن از خطر خشونت فیزیکی یا جنسی هدف ماست، اما رها کردن خشونت‌دیده و فرزندانش بدون حمایت‌های مالی بلندمدت هم سلامت‌شان را تضمین نمی‌کند. به علاوه رهایی او از رابطه خشونت، به معنای امنیت در برابر مشکلات روانی، اعتیاد یا مشکلات مربوط به آن نخواهد بود.

موفقیت در نجات یک خشونت‌دیده و قطع رابطه با آزارگر به چه معناست؟

موفقیت همان چیزی است که خشونت‌دیده تعریف می‌کند. او بر مبنای میزان خشونت شریکش و شرایط زندگی و فرهنگی‌اش تصمیم می‌گیرد. برای فردی که هنوز در رابطه با آزارگر است، تعریف موفقیت صرفاً اولویت‌بندی برای کاهش خشونت فیزیکی نیست. این امر اگرچه بسیار مهم است اما ممکن است اولین یا مهم‌ترین گزینه نباشد.

باید از هر خشونت‌دیده پرسید که به نظر او چه چیزی بهتر است و چه کاری و خامت شرایطش را کمتر یا بیشتر می‌کند. به طور مثال ممکن است یکی از خشونت‌دیده‌ها بگوید چه چیزهایی بهتر است انجام داد به این دلیل که شریکش دیگر بچه‌ها را کتک نمی‌زند یا این که دیگر حقوقش را هدر نمی‌دهد. بنابراین این تغییر رفتارها چیزی است که برای خشونت‌دیده ارزش و اولویت دارد.

نکته پایانی

برای ما به عنوان حمایت‌گر ممکن است موفقیت به معنای این باشد که کسی آزار نبیند یا توسط شریکش کنترل نشود یا کودکی در اثر خشونت خانگی آسیب جسمی و روانی نبیند. به دلیل این که می‌خواهیم خشونت‌دیده کاملا و همیشه امن باشد و ممکن است با نوع تعریف خشونت‌دیده از موفقیت مشکل داشته باشیم. ممکن است تنها بهبود نسبی شرایط، برای ما معنای موفقیت نداشته باشد، به خصوص اگر فرد مورد نظر هنوز متحمل خشونت و کنترل از سوی همسرش می‌شود. به علاوه گوش دادن به خشونت‌دیده لزوماً به معنای چشم‌پوشی از دیدگاه خود ما برای خروج کامل از رابطه خشونت‌آمیز نیست، اما مهم این است که ما هنوز به اقدامات حمایتی خود ادامه می‌دهیم و به نظر او هم احترام می‌گذاریم، در حالی که ممکن است نظر و اعتقاد خود را داشته باشیم و مطابق با یک برنامه سیستماتیک و متناسب برای پایان بخشیدن به خشونت برای همه خشونت‌دیده‌ها تلاش می‌کنیم.

*این مطلب برگرفته و ترجمه از راهنمایی است که با تلاش سه سازمان حامی خشونت‌دیدگان خشونت خانگی در آمریکا و بر اساس

تجربه عملی مددکاران و مشاوران حقوقی آنها منتشر شده است. مفاد این راهنما برگرفته از تجربه‌های مشابه حمایت‌گرانی است که بارها مشوق قطع ارتباط خشونت دیده با فرد آزارگر بوده‌اند، اما تلاش آن‌ها با شکست روبرو شده است. اصل این مطلب را در [اینجا](#) می‌توانید پیدا کنید.